



University of Tehran Press

Jurisprudential Examination of Responsibility in the Injury of a Thief Due to Electric Barriers

Mohamad Mahdi Moheb al-Rahman^{1*} | Mohammad Eshaghi² | Mohamad Ali Moheb al-Rahman³ | Mohammad Reza Rezvantalab⁴

1. Corresponding Author Department for Jurisprudential and Legal Issues, Research Center for Islamic Jurisprudence and Law, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. E-mail: m.moheb@isca.ac.ir
2. Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: m.eshaghi.a@ut.ac.ir
3. Department of jurisprudence and law, Faculty of Theology, Azarbaijan Shahid Mdani University, Tabriz, Iran. E-mail: m.moheb@azaruniv.ac.ir
4. Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: mrrezvan@ut.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received: 11 October 2023
Revised: 24 September 2024
Accepted: 09 November 2024
Published online 03 March 2025

Keywords:
Electrical barriers,
electric fence,
electrical protection,
civil liability,
criminal responsibility,
theft,
guarantee

ABSTRACT

One of the methods of preventing theft is the use of electric fences and guards. If the owner uses high-voltage electricity, the thief will be seriously injured or even die if touched. Considering the fatwa of some contemporary jurists regarding the lack of the owner's guarantee, the upcoming research seeks to answer the question, "what jurisprudential documentation can be established for the lack of an owner's guarantee?" Additionally, by examining the criticisms received, "what ruling can be expected?" The research, which was carried out with the descriptive and analytical data processing method, found out that: Although the owner has the right to occupy his property, it is necessary to follow the order of the easiest to the easiest. In case of the ineffectiveness of weaker shocks, measures such as installing a warning sign for strong electricity relieves the responsibility of the owner. In addition, despite the existence of definite evidences on the sanctity of the Muslim blood, and the realization of the assignment that fulfills the owner's guarantee, as well as the lack of sufficient reasons for the cancellation of the owner's guarantee, the judgment of his guarantee in illegal possessions will be correct.

Cite this article: Moheb Al-Rahman, M. M.; Eshaghi, M. Moheb Al-Rahman, M. A., & Rezvantalab, M. R. (2025). Jurisprudential examination of responsibility in the injury of a thief due to electric barriers. *Islamic Jurisprudential Researches*, 21, (1), 65-78.
<http://doi.org/10.22059/jorr.2024.366466.1009376>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2024.366466.1009376>



دانشگاه تهران

نشریه پژوهش‌های فقهی

سایت نشریه: <https://jorr.ut.ac.ir/>

شاپا الکترونیکی: ۶۱۹۵-۲۴۲۳

بررسی فقهی مسئولیت در آسیب‌دیدگی سارق به واسطه موانع الکتریکی

محمد مهدی محب‌الرحمان^{۱*} | محمد اسحاقی^۲ | محمد علی محب‌الرحمان^۳ | محمدرضا رضوان طلب^۴

۱. نویسنده مسئول، گروه مسائل فقهی و حقوقی، پژوهشکده فقه و حقوق، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. رایانامه: m.moheb@isca.ac.ir

۲. گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: m.eshaghi.a@ut.ac.ir

۳. گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. رایانامه: m.moheb@azaruniv.ac.ir

۴. گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mrrrezvan@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۷/۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۳

کلیدواژه:

حفاظ برقی،

سرقت،

ضمان،

مسئولیت کیفری،

مسئولیت مدنی،

موانع الکتریکی.

یکی از روش‌های پیشگیری از سرقت استفاده از حفاظ و فنس الکتریکی است که در صورت استفاده مالک از برق فشار قوی، با لمس حفاظ توسط سارق، آسیب جدی یا حتی مرگ وی رقم می‌خورد. تحقیق پیش رو با توجه به فتاوی برخی فقهای معاصر، مبنی بر عدم ضمان مالک، در پی پاسخ به این پرسش است که «چه مستندات فقهی را می‌توان بر عدم ضمان مالک اقامه کرد؟» و «با بررسی نقدهای وارده چه حکمی قابل انتظار است؟» تحقیق، که با روش داده‌پردازی توصیفی و تحلیلی صورت پذیرفته، نشان داد هرچند مالک حق تصرف در ملک خود را دارد، رعایت ترتیب الاسبه فالاسبه لازم است و در صورت ناکارایی شوک‌های ضعیف‌تر اقداماتی نظیر نصب تابلوی هشدار در برق شدید رافع مسئولیت مالک است؛ ضمن اینکه با وجود ادله قطعی بر حرمت خون مسلمان و تحقق انتساب به جهت سببیت اقوی از مباشر، که ضمان مالک را محقق می‌کند، نیز نبود دلایل کافی بر رفع ضمان مالک، حکم ضمان او در تصرفات نامشروع محکم خواهد بود.

استناد: محب‌الرحمان، محمد مهدی؛ اسحاقی، محمد؛ محب‌الرحمان، محمد علی و رضوان طلب، محمدرضا (۱۴۰۴). بررسی فقهی مسئولیت در آسیب‌دیدگی سارق به واسطه موانع الکتریکی. پژوهش‌های فقهی، ۲۱ (۱)، ص ۶۵-۷۸.

<http://doi.org/10.22059/jorr.2024.366466.1009376>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان



DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2024.366466.1009376>

مقدمه

سرق، علاوه بر حرمت شرعی، طبق حکم عقل از مصادیق ظلم به شمار می‌آید و ممنوع است. نیز سیره و بنای عقلا بر ناپسندی این رفتار تأکید دارد؛ همچنان که شارع و نیز نظام‌های حقوقی متفاوت کیفر و مجازات‌هایی را برای سارق بیان کرده‌اند که یکی از مهم‌ترین و شدیدترین این مجازات‌ها، در نظام کیفری اسلام، «حد سرق» نام گرفته است. اما موضوع این تحقیق جایی است که مالک برای جلوگیری از موفقیت شخص متصرف و به تله انداختن او، بدون نصب تابلوی هشدار، اقدام به اتصال برق فشار قوی به حفاظ ساختمان کند و مرگ یا آسیب جدی متصرف رخ دهد؛ و این در حالی است که مالک می‌تواند با استفاده از روش‌های دیگر و با رعایت الاسهل فالاسهل، علاوه بر پیشگیری از تصرف غیر، مانع ایراد ضرر و آسیب جدی به متصرف عدوانی شود.

تحقیق پیش رو، با پیش فرض گرفتن حرمت خون متصرف به عنوان یک انسان و قرارگیری او تحت عموماً حرمت خون مسلمان به عنوان اصل اولی (← اسراء/ ۷۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۲؛ شهیدی، بی‌تا: ۳۲۶؛ عابدینی، ۱۳۸۳؛ قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۸۴ و ۱۰۲ - ۱۰۳؛ هاشمی، ۱۳۸۴: ۸۳ - ۹۷)، در پی پاسخ به این پرسش‌هاست که «اولاً اگر مالک بتواند با استفاده از روش‌های غیر آسیب‌زا از تصرف دیگری پیشگیری کند یا با نصب تابلوی خطر برق‌گرفتی به سارق هشدار دهد، اما با اتصال برق فشار قوی به حفاظ‌های ساختمان بدون تابلوی خطر متصرف دچار مرگ یا آسیب جدی شود، طی چه مستندات فقهی می‌توان عدم ضمان مالک را نتیجه گرفت؟» و «ثانیاً با بررسی محدوده دلالت این ادله چه نقدهایی بر ادله عدم ضمان مالک وارد است و در نهایت چه حکمی را می‌توان انتظار داشت؟».

البته فنس‌های الکتریکی از ابزارهای نوظهور در پیشگیری از جرم سرق به حساب می‌آیند و از این رو هرچند برخی فقه‌های متأخر در استفتائات خود فتاوی‌ای کوتاه و اجمالی صادر کرده‌اند، بررسی تحقیقی و پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است. با این حال، جست‌وجو میان سامانه‌های مرجع نشان داد «پژوهش‌های حقوقی» درباره ابزارهای دفاعی و نیز مسئولیت‌های ناشی از اقدامات پیشگیرانه انجام شده است. اما پژوهش و «تحقیق فقهی» که به طور مستقیم به پیشگیری از سرق و تبعات ضمان یا عدم ضمان آن با فنس‌های الکتریکی کُشنده پردازد به دست نیامده است.

البته در میان کلمات فقها در ابواب قصاص فروعاتی نزدیک به فرض مورد سؤال طرح شده است؛ از جمله هنگامی که مالک در منزل خود طعام مسمومی را قرار می‌دهد و شخص دیگر بدون اذن مالک وارد می‌شود و با خوردن طعام مسموم جان خود را از دست می‌دهد. در این موضوع، غالب فقها بر عدم ضمان مالک (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۵۱۲ و ...) و برخی نیز با وجود شرایطی بر ضمان مالک (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۵۵) حکم داده‌اند. همچنین موردی که مالک سنگ یا چاقویی را در ملک خود یا حتی در اراضی موات قرار دهد و دیگری آسیب ببیند به عدم ضمان فتوا داده شده است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۲۳۷؛ فاضل هندی، ۱۴۱۷، ج ۱۱: ۲۵۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵: ۳۶۱). با این حال، برخی شرط عدم غرور را بر این حکم لازم دانسته‌اند (حسینی عاملی، بی‌تا، ج ۱۰: ۲۹۵)؛ ضمن اینکه در خصوص اراضی موات نیز برخی ضمان را محکّم دانسته‌اند (مدنی، ۱۴۰۸، ۸۹)؛ موضوعی که ضمن تفاوت‌هایی با مسئله تحقیق حکم آن نیز بدون بحث استدلالی از ادله ضمان یا عدم آن بیان شده است. از این رو تحقیق پیش رو، که با کنکاش میان منابع فقهی به بررسی ادله مختلف و نقدهای آن برآمده، را می‌توان پژوهشی نو در موضوعی نوپدید به حساب آورد.

مقاله حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزارهای رایانه‌ای و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی ابتدا هر یک از ادله عدم ضمان مالک- از جمله صحیحۀ زرار، قاعده لاضرر، قاعده اقدام، و ... را مورد بررسی قرار می‌دهد و بعد از هر دلیل به نقدهای آن در فرض مورد سؤال می‌پردازد. در نهایت نیز با توجه به ادله و نقدهای وارده جمع‌بندی از بحث ارائه می‌شود. پیش از آغاز ذکر این نکته نیز مناسب است که مقاله حاضر تلاش کرده در نهایت رعایت انصاف و بدون سوگیری به نفع مالک یا متصرف عدوانی به بررسی ادله و مستندات پردازد.

موضوع‌شناسی

فنس الکتریکی یا همان الکتروفنس یکی از قوی‌ترین و به‌روزترین سیستم‌های بازدارنده ورود به اماکن شناخته می‌شود که در کنار روش‌های تله‌گذاری دیگر استفاده آسان‌تری دارد. این فنس‌ها و حفاظ‌های الکتریکی به صورت حصار مستقل یا به عنوان حفاظ مکمل با نصب روی دیوار، نصب در کنار حصار توری، و ... به کار می‌رود و با وارد کردن شوک به سارقان آن‌ها را از ورود به محوطه منع می‌کند؛ ضمن اینکه در انواع پیشرفته آن محل سرقت از طریق نمایش در اتاق مانیتورینگ یا ارسال پیامک به مالک اطلاع‌رسانی می‌شود. در صورتی که برق مورد اتصال به این حصارها از نوع برق فشار قوی باشد یا مالک بدون استفاده از این سیستم خاص، خود، اقدام به اتصال برق کشنده به حفاظ‌های معمولی ساختمان کند، موجب شوک‌های خطرناک می‌شود و آسیب جدی یا حتی مرگ متصرف را در پی خواهد داشت.

در تحقیق پیش رو به این فرض پرداخته می‌شود که هرچند مالک می‌تواند از روش‌های غیر مضر استفاده کند تا علاوه بر پیشگیری از تصرف غیر مانع ایراد ضرر و آسیب جدی به متصرف عدوانی شود یا لاقلاً با نصب تابلوی خطر به سارق هشدار دهد، با اتصال برق فشار قوی بدون تابلوی خطر سبب مرگ یا آسیب جدی متصرف عدوانی شود.

فتاویٰ برخی فقهای معاصر بر عدم ضمان مالک

همان‌طور که در مقدمه بیان شد، مسئله مرگ متصرف توسط فنس‌های الکتریکی مورد استفتای برخی مراجع قرار گرفته است: «آیا اگر مالک با استفاده از برق برای جلوگیری از سرقت موجب برق‌گرفتگی سارق و احیاناً فوت او شود ضامن است؟» مراجع معظم از جمله آیات عظام مکارم شیرازی و نوری همدانی در پاسخ به سؤال فوق به عبارت «در فرض مرقوم ضامن نیست.» اکتفا کرده‌اند (اسلام کوئیس، ۱۴۰۲). ولی هادوی تهرانی اضافه کرده است: «هر کسی حق دارد در ملک خود هر تصرف مشروعی، از جمله اتصال آن به برق، انجام دهد. بنابراین درباره دزدی که بدون رضایت صاحب‌خانه به خانه او وارد شده است صاحب‌خانه ضامن خسارت‌های وارد بر وی نیست.» (هادوی، ۱۴۰۲).

البته این سؤال به طور خاص فرض مسئله این تحقیق را طرح نکرده است؛ اما اولاً با توجه به رخداد مرگ سارق در فرض استفتاء «کشنده بودن برق» را در ضمن خود بیان می‌دارد، ثانیاً مطابق اطلاق آن موارد عدم نصب تابلوی هشدار یا امکان بهره‌گیری از روش‌های ساده‌تر و غیر کشنده را شامل می‌شود، ثالثاً عموم «هر تصرف مشروع» در توضیحات هادوی تهرانی بر شمول فرض مسئله صراحت دارد.

باید توجه داشت که تحقیق حاضر در پی تنقیح و توضیح نظرات بیان‌شده است و ممکن است قیودی که تحقیق حاضر به دنبال آن است مد نظر فتاویٰ یادشده نیز باشد. به هر حال آنچه در تحقیق حاضر مورد نقد است اطلاق قول به عدم ضمان مالک است و روشن است که در برخی از موارد با رعایت برخی از قیود می‌توان قائل به عدم ضمان مالک شد. در ادامه، مستندات قابل اقامه بر اطلاق این فتوا طرح و نقد و بررسی آن پی گرفته می‌شود.

مستندات عدم ضمان مالک به طور مطلق

صحیح زراره

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ يَأْتَانِي عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مِثْنَى الْحَنَاطِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ^(ع) قَالَ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا حَفَرَ بِئْرًا فِي دَارِهِ، ثُمَّ دَخَلَ رَجُلٌ فَوَقَعَ فِيهَا، لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَلَا ضَمَانٌ وَ لَكِنْ لِيُعْطَهَا: اگر مردی در خانه‌اش چاهی حفر کند، سپس مردی به خانه‌اش وارد شود و در آن چاه بیفتد، چیزی بر عهده صاحب‌خانه نیست و ضمانی وجود ندارد. اما باید چاه را ببوشاند.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹: ۲۴۲).

این روایت مورد اعتماد مرحوم کلینی (۱۴۰۷، ج ۷: ۳۵۰) و نیز شیخ طوسی (۱۴۰۷، ج ۱۰: ۲۳۰) قرار گرفته است و با توجه به رجال سند آن، هرچند بر مبنای عدم پذیرش روایات سهل بن زیاد، صحیح است. از جهت دلالت نیز روایت نشان می‌دهد اگر مالک در خانه خود چاهی حفر کند و شخص دیگر در آن بیفتد، هیچ ضمانی بر عهده مالک نیست (فاضل هندی، ۱۴۱۷، ج ۱۱:

۲۵۹). اما حکم عدم ضمان در روایت به مورد حفر چاه اختصاص ندارد؛ همچنان که فقها در مواردی مانند قرار دادن سنگ و چاقو در ملک شخصی نیز به نقل این روایت پرداخته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵: ۳۶۱؛ خوانساری، ۱۴۱۵، ج ۶: ۲۰۵؛ تبریزی، ۱۴۲۸: ۸۵؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸: ۷۹)؛ ضمن اینکه مسئله روایت بر موضوع تحقیق، که مالک انرژی برق را به حفاظهای منزل متصل کرده و دیگری آسیب دیده، قابل تطبیق است. بنابراین با توجه به حکم «لاضمان» که حضرت بیان فرموده‌اند در صورت مرگ یا آسیب متصرف ضمانی برای مالک در پی نخواهد داشت.

نقد و بررسی

هرچند نمی‌توان خدش‌های در سند صحیح زراره وارد دانست، به نظر می‌رسد دلالت آن نمی‌تواند مفید حکمی همیشگی برای همه موضوعات مشابه تلقی شود.

توضیح آنکه از جمله مواردی که مانع اطلاق شمرده می‌شود انصراف ناشی از کثرت استعمال است (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۱: ۱۷۲)؛ مانند انصراف لفظ حیوان به غیر انسان، چون حیوان نزد عرف به سبب کثرت استعمال در غیر انسان ظهور پیدا کرده است. از این رو چنین انصرافی مانع از تمسک به اطلاق لفظ و به منزله قرینه لفظی متصل است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۶۷)؛ همچنان که در فرض سؤال راوی نیز «حفر چاه در ملک» از مواردی مانند «چاه تله برای گرفتن انسان یا حتی سارق» منصرف است و در مقابل حفر چاه برای تحصیل آب یا دفع فاضلاب و ... را شامل می‌شود که از ضروریات و امکانات هر ملک قابل سکونت به حساب می‌آید.

از این رو چنین انصرافی، که ناشی از کثرت استعمال لفظ حفر بئر است، به خوبی مانع اطلاق روایت می‌شود و نمی‌توان از این روایت حفر چاه را به عنوان یکی از مصادیق قانون عام برای عدم ضمان در «هر اقدامی توسط مالک» یا حتی «هر گونه چاه» به حساب آورد و برای حکم ضمان باید ادله دیگر را بررسی کرد؛ به‌ویژه اینکه فقهایی مانند صاحب جواهر و مرحوم خوانساری در برخی از موارد همین موضوع، یعنی حفر چاه، قائل به ضمان شده‌اند. مثلاً در موردی که شب و تاریک باشد و شخصی که وارد می‌شود چاه را نبیند یا در موردی که شخص آسیب‌دیده نابینا باشد و چاه را نبیند، به جهت تحقق ضرر و به جهت جمله مذکور در ذیل روایت، که فرمودند باید چاه پوشانده شود، قائل به ضمان شده‌اند (خوانساری، ۱۴۱۵، ج ۶: ۲۰۷؛ نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۳: ۹۸). در واقع اگر بهره‌گیری از چیزی علاوه بر عرفی نبودن آن مضر و خطرناک باشد، هشدار هم داده نشود، دیگر نمی‌توان با اطلاق این روایت عدم ضمان را برای آن محکم دانست؛ مواردی مانند اتصال برق به حفاظهای خانه بدون علائم هشداردهنده، آن هم در مواردی که امکان پیشگیری از سرقت و آسیب با شوک‌های غیر کشنده برقی وجود دارد. به‌علاوه در ذیل روایت عبارت «وَلَكِنْ لِيُعْطَهَا» اما باید چاه را بپوشاند» آمده است که به روشنی نشان می‌دهد نمی‌توان همیشه مالک را از ضمان بری دانست. در این جمله سخن از اقدامات احتیاطی به میان آمده تا مبادا جان شخص دیگر به خطر بیفتد. فقه‌های بزرگی از این عبارت در فروعات دیگر بهره گرفته‌اند و از امر حضرت به تعطیه بئر «وجوب پوشاندن چاه» را استفاده کرده‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸: ۸۰ - ۸۲؛ نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۳: ۹۸).

محقق اردبیلی نیز احتمال می‌دهد دو روایت دیگر باب که به طور مطلق و بدون عبارت «وَلَكِنْ لِيُعْطَهَا» عدم ضمان را بیان فرموده‌اند بر جایی حمل می‌شود که هر دو شرط وجود داشته باشد که اولاً چاه آشکار باشد و ثانیاً شخص بدون اذن وارد شده باشد (اردبیلی، ۱۳۶۲، ج ۱۳: ۳۹۳). بنابراین ظاهراً مطابق نظر ایشان در صورت تحقق هر یک از دو شرط، یعنی چه چاه مخفی باشد چه شخص با اذن وارد شده باشد، ضمان مالک محکم خواهد بود.

علاوه بر این، صاحب ریاض، ضمن تشریح عقیده مقید بودن حکم ضمان، اطلاقات روایی را به سبب تبادل مربوط به جایی دانسته که حفر چاه متضمن غرور نبوده باشد؛ به این معنا که مالک بخواهد کسی را فریب دهد و موجب آسیب به وی شود و عبارت «لِيُعْطَهَا» در صحیح زراره را مشعر بر همین معنا تصویر فرموده است (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۶: ۴۰۶).

بنابراین با توجه به نقد پیش گفته، به نظر می‌رسد اطلاق این روایت شامل مسئله فرض مسئله تحقیق نیست و نمی‌تواند در این مورد عموماً حرمت خون را تخصیص زند و در نتیجه برای دریافت حکم عدم ضمان باید از ادله دیگری بهره گرفت.

قاعده سلطنت

قاعده مشهور و پذیرفته‌شده سلطنت، که مفاد آن تسلط و اختیار مالک برای هر گونه تصرف در اموال خویش است، طبق ادله مختلف توضیح داده می‌شود (مصطفوی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۱۳۶). از جمله این ادله، علاوه بر آیات متعددی از قرآن کریم (نساء/ ۲ و ۲۹؛ بقره/ ۱۸۸)، نبوی مشهور «انَّ النَّاسَ مَسْلُطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ» است که هرچند سند معتبری را نمی‌توان برای آن تصویر کرد (سیستانی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۳۲۸ - ۳۲۹؛ خوبی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۶۷)، مورد عمل فقهای مختلف شیعه و سنی قرار گرفته است و بر مبنای جبر ضعف سند به عمل مشهور به خوبی می‌توان اعتبار روایت را نتیجه گرفت (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۲۱؛ محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱: ۲۲۸)؛ ضمن اینکه روایات معتبر دیگری به این مضمون در مورد نقل راویان ثقه قرار گرفته است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹: ۲۹۶). افزون بر این، بنای عقلا بر پذیرش و عمل به قاعده سلطنت نیز نشان از فطری بودن آن دارد (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۹۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۲۹؛ محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱: ۲۲۹ - ۲۳۰).

بنابراین در تطبیق این قاعده بر موضوع بحث گفته می‌شود با پذیرش سلطنت و حق تصرف مالک بر ملک خود او می‌تواند در ملکش هر گونه تصرفی انجام دهد؛ هرچند آسیب‌دیدگی یا جان دادن متصرف عدوانی را در پی داشته باشد. در واقع تلف شدن انسان دیگر مانعی برای عمومیت و اطلاق حق مالک برای استفاده از ملکش تلقی نمی‌شود. از این رو مالک بر اساس قاعده سلطنت حق دارد و می‌تواند تصرفاتی مانند اتصال برق فشار قوی به حفاظ‌های ملک خود را داشته باشد.

نقد و بررسی

در پذیرش قاعده سلطنت شک و تردیدی نیست. اما در عمومیت و اطلاق آن بحث‌های مختلفی میان دانشمندان فقه و حقوق درگرفته است تا جایی که قیود و حدود شرعی خاصی را برای آن بیان کرده‌اند. یکی از مقیدات شرعی قاعده سلطنت موارد قاعده لاضرر است که مطابق آن، با تقدیم لاضرر بر قاعده تسلیط، تصرف مالک در ملک خود به سبب آثار زیان‌باری که برای دیگران دارد تصرف مشروعی نیست (اصفهان‌ای، ۱۴۱۸، ج ۱: ۴۴۱ - ۴۴۲؛ سیستانی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۳۲۸؛ شیرازی، ۱۴۱۴، ج ۵: ۲۶۶؛ صدر، ۱۴۲۰، ج ۱: ۳۸۳؛ سبزواری، ۱۲۶۹، ج ۱: ۲۴۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۳۵؛ جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۶، ج ۲: ۵۰۰).

البته این محدوده شرعی برای قاعده سلطنت، که برخی آن را ورود قاعده لاضرر بر قاعده سلطنت دانسته‌اند (نراقی، ۱۴۲۲: ۲۹۰)، در کلمات فقها شامل هر تصرف مضر نمی‌شود؛ بلکه برخی مانند مرحوم سبزواری قید «فاحش» را به ضرر افزوده و تصرفاتی را ممنوع دانسته‌اند که ضرر فاحشی را بر دیگران وارد سازد (سبزواری، ۱۲۶۹، ج ۲: ۵۵۶)؛ همچنان که برخی دیگر از فقها مانند علامه حلی (۱۴۲۰، ج ۴: ۵۲۵) و شهید اول (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۱۰: ۱۵۷) قیدهای دیگری از جمله «ظن ضرر» و «قدر حاجت» را لحاظ کرده‌اند که در نتیجه تصرفات مالک در ملک خود اگر همراه با ظن به ضرر به دیگران باشد یا اگر بیش از نیاز و حاجت مالک باشد «غیر مشروع» و مورد ضمان شمرده می‌شود. مثلاً اگر آتشی که در ملک شخصی خود روشن می‌کند ضرر فاحشی را بر دیگری وارد سازد یا بداند آتش به همسایه سرایت می‌کند یا روشن کردن آن بیش از نیاز و حاجت مالک باشد، در هر صورت، هرچند حق سلطنت بر ملک خویش را دارد، مجاز به چنین کاری نیست و در صورت انجام دادن این کار ضامن خسارات خواهد بود.

بنابراین با تطبیق این موارد بر مسئله تحقیق باید گفت سلطنت بر ملک نمی‌تواند مجوز ایراد آسیب جدی یا کشنده بر متصرف تلقی شود؛ به‌خصوص اگر دفع متصرف به روش‌های آسان دیگر امکان‌پذیر باشد و استفاده از برق فشار قوی در حفاظ‌های ملک بیش از قدر نیاز و حاجت شمرده شود. از این رو مالک باید از روش‌های آسان‌تر یا شوک‌های ضعیف استفاده کند.

البته ممکن است اشکال شود قیودی که برای تضییق محدوده قاعده سلطنت گذشت صرفاً در مواردی قابل پذیرش است که موضوع قاعده لاضرر محقق شده باشد تا بتوان آن را بر قاعده تسلیط مقدم کرد؛ یعنی ضررهایی مانند ضرر به ملک مجاور یا ضرر زدن به افرادی که اقدام به تصرف عدوانی نکرده‌اند، که مطابق لاضرر و ... شرعاً ممنوع شمرده می‌شوند. اما اگر شخصی بدون مجوز و به نحو عدوانی اقدام به ورود به ملک غیر کند، با وجود حکم جواز آسیب زدن به او، موضوع قاعده لاضرر محقق نمی‌شود و به تبع تقدیم بر قاعده سلطنت بی‌معنی خواهد بود.

در پاسخ می‌توان گفت جواز آسیب به متصرف عدوانی به شکل عام و مطلق «هر گونه و هر شکل از آسیب» را شامل نمی‌شود، بلکه در نظایر آن، مانند دفاع مشروع که ضارب به مال یا جان شخص تعدی می‌کند، اضرار به مهاجم مقید و محدود به شرایطی از جمله رعایت ترتیب‌الاسهل فالاسهل و ... دانسته شده و آسیب‌های بیشتر غیر شرعی و ضمان آور به حساب می‌آید (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۵۱۸). در فرض مورد تحقیق نیز با توجه به اینکه جلوگیری از ورود متصرف عدوانی با روش‌های آسان‌تر، مانند وارد کردن شوک‌های غیر کشنده، میسر و ممکن است، اقدام به اتصال برق فشار قوی و قتل متصرف عدوانی برنامه‌مشموعی محاسبه نخواهد شد.

بنابراین صرفاً اگر تصرفات آسیب‌زای مالک، مانند واردسازی شوک‌های برقی غیر کشنده و بازدارنده، شرعاً مجاز باشند، می‌توان بر اساس قاعده تسلیط عدم ضمان مالک را در این تصرفات آسیب‌زا محکم دانست؛ نکته‌ای که به نظر می‌رسد با عبارت «هر تصرف مشروع» مورد توجه هادوی تهرانی در پاسخ به استفتای پیش‌گفته قرار گرفته است (هادوی، ۱۴۰۲).

قاعده اقدام

قاعده اقدام به دو صورت «اقدام به ضرر» و «اقدام به ضمان» شناخته می‌شود (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱: ۲۲۱) که در اینجا نوع اول، یعنی اقدام به ضرر، مد نظر است؛ با این توضیح که طبق این قاعده هرگاه شخصی با توجه و آگاهی عملی را انجام دهد که موجب ورود زیان توسط دیگران به او شود، واردکننده زیان که شخص دیگری است مسئول خسارت نخواهد بود. چون خسارت وارده به سبب رفتار خودش بوده است نه اضرار دیگری (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۴۸۶؛ حسینی شیرازی، ۱۴۱۴: ۲۱۹) و چنین شخصی با اقدام خود موجب از بین رفتن حرمت جان و مالش شده است (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱: ۲۲۱).

در حقیقت «اقدام» مانعی برای اجرای قواعد ضمان قهری مانند قاعده «احترام»، قاعده «لا ضرر»، قاعده «اتلاف»، قاعده «تسبیب»، و ... به حساب می‌آید. چون در قاعده احترام اگر صاحب مال خودش حرمت مال خویش را ضایع سازد، مورد حمایت شرع و عرف قرار نخواهد گرفت؛ همچنان که قاعده لاضرر برای حمایت از متضرری است که خود مقدمات زیان را برای خویش فراهم نساخته باشد (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۴۸۶؛ حسینی شیرازی، ۱۴۱۴: ۲۱۹؛ محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱: ۲۲۱).

بنابراین در تطبیق موضوع بحث بر قاعده گفته می‌شود در فرض مسئله متصرف عدوانی خود اقدام به تصرف و ورود عدوانی به ملک غیر کرده است که سبب ایراد آسیب جانی یا جراحت شدید به وی بوده است. از این رو خسارات وارده منتسب به خودش است و مالک که در ملک خود برق فشار قوی را به فنس‌های حفاظ متصل کرده ضامن خسارات وارده بر جان و مال شخص متصرف خارجی نخواهد بود.

نقد و بررسی

نقدی که جریان قاعده اقدام را در فرض مسئله تحقیق به چالش می‌کشد این نکته است که عنصر اصلی در جریان قاعده اقدام و رفع ضمان از واردکننده آسیب و ضرر «انتساب» ضرر است که به «شخص اقدام‌کننده» داده می‌شود (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱: ۲۲۱). از این رو، اگر به هر دلیلی از جمله غبن و فریب و ... انتساب اضرار به شخص دیگر محقق شود، ضمان بر عهده آن شخص دیگر خواهد بود. یعنی اگر به دلیلی، مثل مخفی‌کاری، اقدام‌کننده اطلاع نداشته باشد که اقدام او موجب ضرر به خود وی است، در این صورت قاعده اقدام اجرا نخواهد شد.

این مسئله، یعنی آگاهی اقدام‌کننده از ورود ضرر، در همه انواع ضمان، چه ضمان جانی باشد چه ضمان مالی، جریان دارد. مثلاً فقها گفته‌اند اگر شخصی با آگاهی از قیمت سوقی مبیع و اختلاف فاحش آن با ثمن المسمی اقدام به معامله کند، ضرر وارده منتسب به خودش است و به جهت قاعده اقدام خیار غبن نخواهد داشت (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱: ۲۲۲). اما اگر بدون اطلاع از قیمت، حتی به جهت عدم تحقیق از قیمت سوقی (رشتی، بی‌تا: ۵۳) بلکه صرفاً با تصور اینکه قیمت اعلامی از سوی فروشنده قیمت واقعی است، اقدام به معامله کند، با توجه به محقق نشدن عنصر انتساب ضرر به شخص اقدام‌کننده، قاعده اقدام اجرا نشده و خیار غبن برای او برقرار است. در بیان دیگر که رشتی آورده است اقدام بر «کار غیر ضروری که ضرر بر آن مترتب می‌شود» از مصادیق قاعده اقدام شمرده نمی‌شود، بلکه مورد قاعده اقدام «ارتکاب نفس الضرر» است؛ همچنان که وی «فروش آگاهانه به

کتر از ثمن المثل» یا «اسقاط حقوق» را به این جهت که خودش ضرری است از موارد قاعده اقدام شمرده است (رشتی، بی‌تا: ۵۳۹). از این رو در مواردی که شخص اقدام‌کننده با ضرری مواجه شود که طرف مقابل با «غرور» برایش آماده کرده باشد آسیب ناشی از اقدام به «غار» منتسب می‌شود.

بنابراین باید گفت در فرض مسئله که مالک از نصب تابلوی خطر برق‌گرفتگی خودداری کرده و اتصال برق فشار قوی نیز خلاف ظاهر شمرده می‌شود، هرچند متصرف عدوانی خود اقدام به ورود کرده، احتمال چنین ضرر و آسیب‌کشنده را نمی‌داده است و با چنین ظواهری اقدام به تصرف کرده است. از این رو آسیب جدی و مرگ‌متصرف به جهت غروری ارزیابی می‌شود که مالک-هرچند بدون قصد-آن را با عدم نصب تابلوی هشدار ترتیب داده است؛ ضمن اینکه بر فرض تردید نیز «انتساب ضرر» به «اقدام‌کننده» به «رفتاری که نفس الضرر نیست» مشکوک است و نمی‌توان به طور قطع مسئولیت را متوجه خودش دانست، به‌خصوص اینکه تحقق غرور، که ملاک بهره‌گیری از قاعده غرور شناخته می‌شود، از عناوین قصديه نیست و با صرف تحقق انتساب آسیب به شخص غار، هرچند بدون قصد غار، بلکه صرفاً در صورت جهل شخص مغرور، ضمان علیه غار ثابت می‌شود (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱: ۱۶۴ - ۱۶۹).

بنابراین موضوع بحث از مصادیق قاعده اقدام خارج است و نمی‌توان از قاعده اقدام بر اثبات انتساب ضرر به متصرف عدوانی بهره گرفت. چون قاعده اقدام محقق موضوع «انتساب» نیست؛ بلکه در صورت تحقق موضوع انتساب آسیب به شخص اقدام‌کننده حکم به رفع مسئولیت از دیگران می‌شود و مسئولیت را علیه شخص اقدام‌کننده نشان می‌دهد. در نتیجه هرچند عدم نصب تابلوی خطر برق فشار قوی توسط مالک بدون قصد به دام انداختن و آسیب زدن یا فریب و انحراف ذهن شخص متصرف بوده است، از آنجا که عدم قصد غرور رافع انتساب آسیب به غار نیست تأثیری در رفع ضمان مالک نخواهد داشت. از این رو بهره‌گیری از قاعده اقدام در اثبات عدم ضمان مالک راهگشا به نظر نمی‌رسد.

روایت لاضرر

صحیحۀ زرارۀ از رسول اکرم (ص)، که نقل‌های متعددی از آن توسط مشایخ ثلاث در مجامع روایی صورت گرفته (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳: ۱۰۳؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۹۲؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۱۴۶) و به عنوان مستند اصلی قاعده مشهور لاضرر از آن یاد می‌شود، با جمله مشهور «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ»، نفی احکام ضرری (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۶۱؛ آخوند خراسانی: ۳۸۱) یا نهی از ضرر رساندن (اصفهانی، ۱۴۱۰: ۲۴ - ۲۷) را به عنوان یکی از مهم‌ترین احکام شریعت و حتی حاکم بر سایر احکام مطرح می‌کند (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۲۲۰).

مطابق ماجرابی که در این صحیحۀ مطرح شده، هنگامی که در نهایت امر روشن می‌شود سمره بن جندب، که مالک درخت در خانه شخص انصاری بود، قصد آزار وی را دارد، پیامبر اکرم با جمله «مَا آزَاكَ يَا سَمْرَةَ إِلَّا مُضَارًّا، أَذْهَبَ يَا فُلَانُ فَأَقْطَعُهَا وَ أَضْرِبُ بِهَا وَجْهَهُ» برای جلوگیری از اضرار دستور به قلع درخت او می‌دهد؛ درحالی که سخن از ضمان در مقابل درخت به میان نمی‌آورد و آن را متوجه انصاری یا دیگری نمی‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۴۲۸).

در واقع می‌توان از صحیحۀ زرارۀ چنین برداشت کرد که اگر فردی قصد اضرار به شخص دیگری را داشته باشد، شخص آسیب‌پذیر مجاز به جلوگیری از اضرار است و در این میان ضمان خسارت وارده به فرد آسیب‌رسان نیز نیست. این برداشت مبنای یکی از فروع مهمی است که مطابق آن جلوگیری از ضرر به خود، هرچند به واسطه ضرر به دیگران، جایز شمرده می‌شود. مثلاً اگر تصرف مشروع مالک در ملک خود موجب ضرر به همسایه شود و تصرف نکردن مالک هم موجب ضرر بر خود او شود، با توجه به قاعده سلطنت، مالک حق تصرف دارد (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۷۲؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲: ۳۸۲؛ انصاری، بی‌تا، ج ۲: ۴۶۷) و در مقابل ضرر به همسایه ضمانی متوجه مالک نیست.

از این رو در فرض مسئله نیز، به قیاس اولویت، شخص مالک می‌تواند برای جلوگیری از اضرار به خود از ورود متصرف عدوانی به ملک شخصی‌اش ممانعت کند، هرچند در این میان آسیبی و ضرری به متصرف وارد شود، و مالک هیچ مسئولیت مدنی و کیفری در قبال متصرف نخواهد داشت.

اما اولویت مسئله تحقیق نسبت به فرع مذکور در روایت از این جهت که مطابق این فرض، شخصی که مالک برای جلوگیری از ضرر به خود، به او ضرر وارد می‌کند، فردی است که ضرر عدوانی به مالک روا نداشته است؛ نه متصرف عدوانی که با تصرف خود، اضرار به مالک را ترتیب داده است.

بنابراین، مطابق روایت لاضرر و همچنان که در مقابل قلع درخت سمره و ضرر به او مسئولیت مدنی و کیفری محقق نشد، ضرر به متصرف عدوانی برای جلوگیری از اضرار او به مالک مسئولیت و ضمانی بر عهده مالک نخواهد آورد. بدین ترتیب صحیحاً لاضرر به خوبی می‌تواند «عدم ضمان مالک در مقابل آسیب و ضرر به متصرف عدوانی» را نشان دهد. در واقع ممکن است در جهت نبود ضمان مالک به این نحو به روایت لاضرر استناد کرد که برای جلوگیری از ضرر می‌توان به دیگری ضرر رساند. چون به دستور پیامبر گرامی اسلام انصاری حق داشت برای جلوگیری از ضرر ناشی از سمره درخت سمره را قلع کند. پس برای جلوگیری از ضرر می‌توان ضرری را متوجه شخص ضررزننده، یعنی مضار، کرد. در اینجا مالک برای جلوگیری از ضرر شخص متصرف عدوانی می‌تواند با اتصال برق فشار قوی به وی آسیب بزند.

نقد و بررسی

هرچند خدشه‌ای در روایت لاضرر و مطابق آن فتوای بلاخلاف (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۷۲؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲: ۳۸۲) فقها بر عدم ضمان مالک در فرع مذکور وارد نمی‌شود، نمی‌توان چنین برداشتی را به طور عام و مطلق شامل «هر گونه ضرر و آسیب به متصرف» حساب کرد؛ به گونه‌ای که اگر مالک برای جلوگیری از ضرر به خود ضرر غیر متناسب و بیش از معمولی را به دیگری وارد کند، دیگر نمی‌توان عدم ضمان را حاکم دانست. در واقع، همچنان که در موضوع روایت لاضرر بیان شد، پیامبر اکرم برای جلوگیری از ضرر به شخص انصاری ترتیب الاسهل فالاسهل را در ضرر به سمره در نظر گرفته و با رعایت آن در نهایت حکم به قلع نخل داد. از این رو، نبی مکرم اسلام در مرحله ابتدایی استیذان را طرح فرمود و بعد از آن فروش درخت و سپس تعویض با درخت بهشتی و در نهایت امر، هنگامی که راه چاره دیگری نمانده بود، با اعلام سمره به عنوان شخص مضار دستور به کندن درخت او داد.

بنابراین مطابق این دلیل در مقابله با ضرر باید به ترتیب الاسهل فالاسهل توجه شود؛ همچنان که در دفاع مشروع نیز چنین مشی و روشی لازم‌الرعایه است (برجی، ۱۳۸۵)، ضمن اینکه قاعده عقلایی لزوم تناسب میان «ابعاد تصرف عدوانی» با «روش‌های رفع و دفع آن» بر همین معنا تأکید دارد.

پس در مسئله تحقیق باید گفت بر اساس روایت لاضرر مالک برای جلوگیری از ورود متصرف عدوانی و ضرر به مالک لازم است مراتب الاسهل فالاسهل را در نظر گیرد و مطابق آن عمل کند. از این جهت اگر از طریق اتصال برق غیر کشنده به فنس‌های الکتریکی بتواند با شوک‌های مفید مانع ورود متصرف عدوانی شود، دیگر مجاز به اتصال برق فشار قوی و کشنده به حفاظ‌های ساختمان و فنس‌های الکتریکی نیست یا لاقلاً از این روایت نمی‌توان حکم عدم ضمان را برداشت کرد. توضیح آنکه اگرچه به استناد روایت لاضرر می‌توان ضررهایی را متوجه شخص ضررزننده، یعنی شخص مضار، وارد ساخت؛ اما همان‌طور که در روایت آمده است این امر مشروط به اطلاع دادن و قاعده الاسهل فالاسهل است.

اصاله عدم الضمان

دلیل دیگر بر عدم ضمان مالک «اصل عدم ضمان» است. چراکه به طور کلی، اصل بر عدم ضمان بوده، و اگر دلایل ضمان قوی نباشد، اصل عدم ضمان جاری خواهد بود. توضیح آنکه در فرض مسئله تحقیق آسیب‌دیدگی و ضرر متصرف عدوانی از برق کشنده مستقیماً توسط مالک صورت نگرفته است، بلکه رابطه رفتار مالک و تحقق جنایت رابطه سببیت است و آسیب به «سبب» اقدام مالک به متصرف وارد می‌شود؛ همچنان که در حفر بئر و قرار دادن چاقو یا سنگ چنین نسبتی بیان شده است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۲۳۷؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۵۳۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵: ۳۶۰؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸: ۷۸).

در واقع تحقق جنایت در این گونه موارد به علت افتادن شخص در چاه، متصل شدن به فنس‌های آلوده به برق کشنده، و ... دانسته می‌شود، نه به علت حفر چاه و ... هرچند «لولا له حصل التلف». چون اگر حفر چاه، نصب چاقو، و اتصال برق به

فنس‌های ساختمان توسط مالک انجام نمی‌شد، جنایتی نیز محقق نمی‌شد. پس اقدام مالک در حفر چاه سبب جنایت لحاظ می‌شود نه علت آن (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸: ۷۸).

از همین روست که حکم به ضمان در جنایات منتسب به اسباب خلاف قاعده است و تا زمانی که دلیل قطعی بر ضمان اقامه نشود نمی‌توان ضمان را جاری دانست و اساساً عدم ضمان مالک در مواردی مانند مسئله این تحقیق نیاز به روایت و دلیل خاصی ندارد و با صرف عدم دلیل بر ضمان هم اصل بر عدم ضمان مالک است (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۳: ۹۸؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸: ۸۰ و ۸۲). بنابراین با تردید در ضامن بودن یا نبودن مالک، طبق قاعده و اصل کلی در اسباب، اصل بر عدم ضمان اوست و مالک از عهده خسارت وارده بر متصرف عدوانی تبرئه خواهد شد.

نقد و بررسی

اصل عدم ضمان هرچند از جهت کبروی مورد خدشه این مقاله نیست، از جهت صغروی و تطبیق مسئله تحقیق بر آن با چالش جدی روبه‌روست. چون با وجود ادله قطعی مبنی بر حرمت خون مسلمان و تحقق رابطه سببیت و انتساب جنایت وارده به عمل مالک، به جهت عدم دخالت عامل دیگر در تحقق جنایت (رستمی و همکاران، ۱۳۹۵) و نیز عدم دلایل کافی مبنی بر خروج مالک از ضمان-همچنان که به تفصیل گذشت- دیگر تردیدی در ضمان او وجود ندارد تا محلی برای اجرای اصل عدم ضمان قلمداد شود. بنابراین مسئولیت مدنی و بسته به شرایط مسئولیت کیفری متوجه مالک خواهد بود.

نتیجه

با توجه به مجموع ادله و نیز نقد آن‌ها نتیجه گرفته می‌شود:

هرچند مالک دارای حق تصرف در ملک خود است، نمی‌تواند با استفاده از این حق ضرر و زیان فاحش و نامشروع را وارد کند. مالک برای جلوگیری از ضرر و آسیب به خود و ورود متصرف عدوانی شرعاً مجاز است با رعایت ترتیب الاسهل فالاسهل اقداماتی از جمله استفاده از فنس‌های الکتریکی را صورت دهد تا مانع ورود متصرف عدوانی شود. اگر ممانعت از ورود متصرف عدوانی از طریق شوک‌های مفید، که آسیب جدی و مرگ را در پی ندارد، امکان‌پذیر باشد، مالک نمی‌تواند از برق فشار قوی و کشنده در حفاظ‌های ساختمان بهره‌گیرد؛ مگر با نصب تابلوی هشدار. در این صورت، ضمان متوجه مالک نخواهد بود.

با انتساب عمل آسیب‌زا به مالک، تردیدی در ضمان مالک نیست و مسئولیت مدنی و بسته به شرایط مسئولیت کیفری متوجه مالک خواهد بود. از این رو فتوای مراجع معظم درباره عدم ضمان مالک مقید به تصرفات مشروع به نظر می‌رسد.

منابع

قرآن کریم

- ابن ادریس حلی، محمد بن احمد (۱۴۱۰). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. قم: جامعه مدرسین.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم (بی تا). *کفایه الأصول*. قم: مؤسسه آل‌البیته لإحياء التراث.
- اصفهانی، شیخ الشریعه، فتح‌الله (۱۴۱۰). *قاعده لا ضرر*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- اصفهانی، محمدحسین (۱۴۱۸). *حاشیه کتاب مکاسب*. قم: انوار الهدی.
- بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ موسوی (۱۴۱۹). *القواعد الفقهیه*. قم: الهادی.
- برجی، یعقوب علی (۱۳۸۵). *شرایط دفاع مشروع از نگاه قریقین*. حکمت و فلسفه اسلامی، ۵(۱۷)، ۳ - ۲۰.
- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۸). *تنقیح مبانی الأحکام (کتاب الادیات)*. قم: دار الصدیقه الشهیده.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹). *فرهنگ‌نامه اصول فقه*. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- _____ (۱۴۲۶). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)*. قم: مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل‌البیته علیهم السلام لإحياء التراث.
- حسینی شیرازی، محمد (۱۴۱۴). *الفقه، القواعد الفقهیه*. بیروت: مرکز الثقافی الحسینی.
- حسینی عاملی، سید جواد بن محمد (بی تا). *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲). *تحریر الوسيله*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
- خوانساری، سید احمد بن یوسف (۱۴۱۵). *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*. قم: اسماعیلیان.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۸). *مصباح الفقاهه فی المعاملات*. نجف: مطبعه الحیدری.
- رشتی، میرزا حبیب‌الله (بی تا). *العصب*. بی جا: بی نا.
- رستمی، هادی و شعبانی کندسری، هادی (۱۳۹۵). *احراز رابطه سببیت در فرض مداخله عوامل گوناگون در جنایات و خسارات مالی*. پژوهش حقوق کیفری، ۴(۱۵)، ۱۴۴ - ۱۷۱.
- سیستانی، علی (۱۴۱۴). *قاعده لا ضرر و لا ضرار*. قم: دفتر آیت‌الله سیستانی.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰). *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه (المحشی کلانتر)*. قم: کتاب‌فروشی داوری.
- _____ (۱۴۱۳). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- شهیدی، جعفر (بی تا). *ترجمه نهج البلاغه*. بی جا: بی نا.
- شیخ انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵). *کتاب مکاسب المحرمه و البیع و الخیارات*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- _____ (بی تا). *فرائد الأصول*. قم: مجمع فکر الاسلامی.
- شیخ صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴). *من لا یحضره الفقیه*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه*. تهران: مرتضویه.
- _____ (۱۴۰۷). *تهذیب الأحکام*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- _____ (۱۴۲۷). *رجال الشیخ الطوسی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (بی تا). *الفهرست*. نجف اشرف: المکتبه الرضویه.
- شیرازی، صادق (۱۴۱۴). *بیان الاصول*. قم: بی نا.
- صاحب جواهر، نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۰). *لا ضرر و لا ضرار*. قم: دار الصادقین للطباعه و النشر.
- طباطبایی کربلایی، علی بن محمد علی (۱۴۱۸). *ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل*. قم: مؤسسه آل‌البیته (ع).

- عابدینی، احمد (۱۳۸۳). قاعده ارزش خون انسان. فقه، ۱۱ (۴۰)، ۴۴ - ۷۹.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۱). خلاصه الأقوال فی معرفه أحوال الرجال. نجف اشرف: منشورات المطبعة الحیدریه.
- _____ (۱۴۲۰). تحریر الأحكام الشرعیه علی مذهب الإمامیه. قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع).^(۴)
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۸). تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسيله (الذیات). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).^(۴)
- _____ (۱۴۲۱). تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسيله (القصاص). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).^(۴)
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۷). کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲).
- قربان نیا، ناصر (۱۳۸۷). حقوق بشر و حقوق بشردوستانه. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). رجال الکشی - اختیار معرفه الرجال. مشهد: نشر دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- محقق اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۶۲). مجمع الفایده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: اسماعیلیان.
- محقق داماد، مصطفی (۱۴۰۶). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد (۱۲۶۹). کفایه الاحکام. تهران: بی نا.
- مدنی کاشانی، حاج آقا رضا (۱۴۰۸). کتاب الذیات. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷). العناوین الفقهیة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مصطفوی، محمدکاظم (۱۴۱۷). القواعد، مائه قاعده فقهیة معنی و مدرکاً و مورداً. قم: بی نا.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۰). اصول الفقه. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۲). پایگاه اطلاع رسانی معظم له:
<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=42&lid=0&mid=319180&catid=27288>
- _____ (۱۴۰۲). پایگاه اینترنتی اسلام کوئیس:
<https://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa46627>
- _____ (۱۴۱۶). القواعد الفقهیة. قم: بی نا.
- منتظری، حسین علی (۱۴۰۹). دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه. قم: تفکر.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷). رجال النجاشی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نراقی، مولی محمد بن احمد (۱۴۲۲). مشارق الاحکام. قم: کنگره نراقیین ملا مهدی و ملا احمد هادوی تهرانی، مهدی (۱۴۰۲). پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله هادوی تهرانی:
<http://hadavi.info/fa/archive/question/fa3701>
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی های اساسی. تهران: میزان.

The Holy Quran (in Arabic)

- A collection of authors (2005). *Fiqh according to the religion of the Ahl al-Bayt*. Qom: Islamic Jurisprudence Encyclopaedia Institute on the religion of the Ahl al-Bayt. (in Persian)
- A group of authors (2010). *Dictionary of Principles of Jurisprudence, Center for Islamic Information and Documents*. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. (in Persian)
- Abedini, A. (2004). The value of human blood. *Fiqh*, 11(40), 44-79. (in Persian)
- Akhund Khorasani, M. K. (n.d.). *Kefayyah al-Usul*. Qom: Al-AI-Bayt Foundation for the Revival of Heritage. (in Arabic)
- Allameh Hali, H. (1999). *Tahrir al-Ahkam al-Sharia ala Mazhab al-Imamiyah*. Qom: Imam Sadiq Institute. (in Arabic)
- (1961). *Kholasat al-Aghval fi Marefat Ahval al-Rijal*. Najaf: Al-Haydari Publications. (in Arabic)
- Borji, Y. A. (2016). The conditions of legitimate defense from the perspective of Qariqin. *Research Journal of Islamic Wisdom and Philosophy*, 5(17), 3-20. (in Persian)

- Fadzel Hendi, M. (1996). *Kashf al-Litham wa al-Ibham an Ghavaed al-Ahkam*. Qom: Islamic Publishing House. (in Arabic)
- Fazel Lankarani, M. (1997). *Tafsil al-Shari'ah fi Sharhe Tahrir Al-Wasila (Al-Diyat)*. Qom: Jurisprudence Center of Imams. (in Arabic)
- (2000). *Tafsil al-Shari'ah fi Sharhe Tahrir Al-Wasila (Al-Ghisas)*. Qom: Jurisprudence Center of Imams Athar. (in Arabic)
- Gurbania, N. (2008). *Human Rights and Humanitarian Rights*. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. (in Persian)
- Hadavi Tehrani, M. (2023). The Information website of Ayatollah Hadavi Tehrani's office: [http://hadavi.info/fa/archive/question/fa3701]. (in Persian)
- Hashemi, M. (2014). *Human Rights and Basic Freedoms*. Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
- Helli, I. I. M. (1989). *Al-Saraer al-Hawi le-Tahrir al-Fatawa*. Qom: Jamia Modresin. (in Arabic)
- Hor Ameli, M. (1988). *Tafsil Vasa'el al-shia ila Tahsil Masa'el al-Sharia*. Qom: Al-Al-Bayt Foundation for the revival of heritage. (in Arabic)
- Hosseini Ameli, S. J. (n.d.). *Miftah al-Karamah fi Sharh Ghavaed al-Allamah*. Beirut: Dar Ihya Al-Tarath al-Arabi. (in Arabic)
- Hosseini Shirazi, M. (1993). *Al-Fiqh Al-Ghavaed al-Fiqhiyyah*. Beirut: al-Maqrez al-Thaqafi Al-Husaini. (in Arabic)
- Isfahani, M. H. (1997). *The margin of Kitab Al-Makasab*. Qom: Anwar Al-Hadi. (in Arabic)
- Isfahani, Shaykh al-Sharia. F. (1989). *Ghaede La Zarar*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- Islamic Penal Code (2013). (in Persian)
- Kashi, M. (1988). *Rijal al-Kashi - Ikhtiar Marefah al-Rijal*. Mashhad: Mashhad University Publishing. (in Arabic)
- Khansari, A. (1994). *Jame al-Madarak fi Sharh al-Mokhtasar al-Nafe*. Qom: Ismailian. (in Arabic)
- Khoei, A. (1958). *Misbah al-Fiqahah fi al-Moamalat*. Najaf: Al-Haydari Publishing House. (in Arabic)
- Khomeini, R. (2012). *Tahrir al-Wasila*. Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini. (in Arabic)
- Koleyni, M. (1986). *Al-Kafi*. Tehran: Dar Al-Kotob al-Islamiyyah. (in Arabic)
- Madani Kashani, R. (1987). *Kitab al-Diyat*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- Makarem Shirazi, N. (2013). Information website: [https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=42&lid=0&mid=319180&catid=27288]. (in Persian)
- (2023). Islam Quest website: [https://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa46627]. (in Persian)
- (1995). *Al-Ghavaed al-Fiqhiyyah*. Qom: No Name. (in Arabic)
- Maraghi, M. A. F. (1996). *Al-Anawin al-Fiqhiyyah*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- Mohaghegh Damad, M. (1406). *Jurisprudence Rules*. Tehran: Islamic Science Publishing Center. (in Persian)
- Mohaghegh Hali, J. (1987). *Sharaye al-Islam fi Masayel al-halal and haram*. Qom: Ismailian. (in Arabic)
- Mohaghegh Sabzevari, M. B. (1269). *Kefaye Al-Ahkam*. Tehran: No Name. (in Arabic)
- Mohagheq Ardabili, A. (1852). *Majma Al-Faidah wa Al-Burhan fi Sharhe Irshad al-Azhan*. Qom: Al-Nashar al-Islami Foundation affiliated to the Jamaat al-Modresin. (in Arabic)
- Montazeri, H. A. (1988). *Derasat fi Wilayah al-Faqih wa Fiqh al-Dawlah al-Islamiyya*. Qom: Publishing of Tafakor. (in Arabic)
- Mostafavi, M. K. (1996). *Al-Ghavaed, Me'a Al- Ghavaed Fiqhiyyah, meaning, evidence and case*. Qom: No Name. (in Arabic)
- Musavi Bojnurdi, H. (1998). *Jurisprudence Rules*. Qom: Al-Hadi Publishing. (in Arabic)
- Muzaffar, M. R. (1991). *Usul al-Fiqh*. Qom: Islamic Propaganda Office Publishing Center. (in Arabic)
- Najafi, M. H. (1943). *Jawaher al-Kalam fi Sharh Shar'ae al-Islam*. Beirut: Dar al-Ihya al-Torath al-Arabi. (in Arabic)
- Najashi, A. (1986). *Rijal al-Najashi*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- Naraghi, M. (2001). *Mashareq al-Ahkam*. Qom: Congress of the Naraqis of Mulla Mahdi and Mulla Ahmad. (in Arabic)
- Rashti, H. (n.d.). *Al-Ghasb*. No location: No Name. (in Arabic)
- Rostami, H. & Shabani Kandsari, H. (2015). Verifying the relationship of causation assuming the intervention of various factors in crimes and financial losses. *Criminal Law Research Quarterly*, 4(15), 144-171. (in Persian)
- Sadr, M. B. (1999). *La zarar va La Zerar*. Qom: Dar al-Sadeghin for printing and publishing. (in Arabic)
- Shahid Thani, Z. (1989). *Al-Rawza al-Bahiya fi Sharh al-Loma' al-Damashqiya*. Qom: Davari Bookstore. (in Arabic)
- (1992). *Masalek al-Afham ila Tanghih Shar'ae al-Islam*. Qom: Al-Maarif al-Islamiyya Foundation. (in Arabic)

- Shahidi, J. (n.d.). *Translation of Nahj al-Balagha*. No location: No Name. (in Persian)
- Sheikh Ansari, M. (1994). *Kitab al-Makasib al-Muharamah va al-Bay va al-Khiyarat*. Qom: World Congress honoring Sheikh Azam Ansari. (in Arabic)
- (n.d.). *Faraed al-Usul*. Qom: Majam al-Fikr al-Islami. (in Arabic)
- Sheikh Sadouq, M. (1983). *Man La Yahzorohu al-Faqih*. Qom: Islamic Publishing House. (in Arabic)
- Sheikh Tusi, M. (1967). *Al-Mabusut fi fiqh al-Imamiyah*. Tehran: Mortazavieh. (in Arabic)
- (1986). *Tahzeeb al-Ahkam*. Tehran: Dar al-Katb al-Islamiyyah. (in Arabic)
- (2006). *Rijal al-Sheikh al-Tusi*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- (n.d.). *Al-Fehrest*. Najaf: Al-Maktab Al-Razwiyyah. (in Arabic)
- Shirazi, S. (1993). *Bayan al-Asul*. Qom: No Name. (in Arabic)
- Sistani, A. (1993). *Ghaede La Zara va La Zerar*. Qom: Office of Ayatollah Sistani. (in Arabic)
- Tabatabai, A. (1997). *Riaz al-Masael fi bayan al-Ahkam bi al-Dalayil*. Qom: Al-Al-Bayt Institute. (in Arabic)
- Tabrizi, J. (2007). *Tanghih Mabani al-Ahkam (Kitab al-Diyat)*. Qom: Dar al-Sadiqah al-Shahida. (in Arabic)